

ملا احمد نراقی

فرزندى كه قدم جاى پاى پدر صالح خویش بگذارد
و سراطاعت به پدر سپارد، دز کميابى است، و ملا
احمد چنین بود. آن زمان ها در تمام شهرهاى مهم،
علما و مجتهدان بسيار بزرگى زندگى می کردند كه هر

يك به تنهائى كافى بود براى رهبرى امتى. در اين ميان ملا

محمد مهدى نراقى، بزرگ و مرجع مردم كاشان و اطراف آن بود. پس از

او، فرزندش ملا احمد كه در فضيلت و علم و تقوا، خلف صالح پدر بود، مورد
توجه اهل آن ديار قرار گرفت و همواره ملجأ و پناه مردمان آنجا بود. گویند ملا احمد
بسیار به احوالات فقرا و ضعفا رسیدگی می کرد و به اوضاع ایشان توجه داشت.
آوازه فضلش از نراق و كاشان فراتر رفته بود و حتى در نزد پادشاه زمان، فتحعلی
شاه قاجار هم شناخته شده بود. درباره قدرت نفوذ ملا احمد نقل شده كه هرگاه
حاکمی از طرف حكومت مركزى براى كاشان فرستاده می شد و ملا احمد ظلم و
ستم او را مشاهده می كرد، آن حاكم را عزل می كرد.

بيشتر از همه شاگردى پدر را كرده و از علوم او بهره مند شده است، تا آنجا كه
درباره پدرش می گوید: «او كه در همه علوم استناد به اوست». مدتی هم در
نجف از محضر عالمان بزرگى چون علامه سيد مهدى بحرالعلوم و شيخ جعفر
كاشف الغطا استفاده كرد و دوباره به وطن خویش بازگشت.

كتاب هاى گوناگونى كه ملا احمد در علوم مختلف نوشته است، نشان دهنده وسعت
آگاهى اوست؛ كتاب هاىي در فقه و اصول و نجوم و هيئت و رياضيات و... حاج ملا
احمد نراقى طبعى روان و دلى شيدا داشت كه نتيجه آن اشعارى نغزو دلکش بود.

ای خضر مبارک پی بنمای به من راهی

سرگشته چنین تا کی، مانم به بیابان ها

دامن مكش از دستم ای بت كه به امیدت

يكباره كشي دستم دست از همه دامان ها

مقصود من محزون از باغ تماشا نیست

چون بوى تو دارد گل گردم به گلستان ها

تنها اهل علم نبود، بلکه مرد عمل هم بود. از همین رو مورد توجه علمای
حقیقت بینی چون حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه قرار داشت. مشهور و معروف
است كه يكى از سفارش هاى ایشان براى كسانى كه قصد قدم نهادن در راه سلوك

داشتند، خواندن کتاب معراج السعادة ملا احمد و
عمل به آن بود.

حاج ملا احمد در مسائل زمانه خودش هم بسیار
زیرک و آگاه بود. تلاش های او و برخی دیگر از علمای

آن زمان موجب به پا خاستن مردم در برابر استعمار روسیه شد،

هر چند خیانت ارکان حکومت، نتیجه را به زیان مسلمانان رقم زد.

چنان که شیخ مرتضی انصاری، یکی از شاگردان برجسته ملا احمد نراقی، از
قول استادش چنین نقل می کند:

«... استاد ما ملا احمد نراقی هر وقت از جنگ قفقاز سخن به میان می آمد، گریه
می کرد و می گفت: ما مسلمان ها در ابتدای جنگ پیروز بودیم، اما نمی دانم روی
چه جریانی، یک شب الله یار خان بجنوردی که میزبان من بود، نزد ما آمد و گفت: با
زدو بندی که میان دولت روسیه و عباس میرزا به عمل آمد، فردا قسمتی از لشکر ایران،
خود را شکست خورده نشان خواهد داد و سبب شکست بقیه سپاه خواهد شد.»

طبق نقل برخی از شاگردانش در ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۴۵ ق. از دنیا رفت. عامل وفات
ایشان بیماری ویابود که در آن زمان فراگیر شده بود و فوج فوج مردمان را از پادرمی آورد.
پیکر مطهر حاج ملا احمد را برای خاکسپاری به آستان پربركت امیرمؤمنان بردند
و در حرم آن امام همام و در کنار مقبره پدرش، حاج ملا محمد مهدی به خاک
سپردند. شاگرد حاجی نقل می کند که در طول مسیر، با وجود آنکه هوا گرم بود، پیکر
ایشان نه تنها متعفن نشد، بلکه از بدنش بوی عطری به مشام می رسید. حتی پس از
سال ها وقتی جنازه ایشان در ضمن کندن قبری که در کنار قبر ایشان قرار داشت،
پیدا شد، جنازه او و پدرش، هر دو صحیح و سالم بودند.